روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۱۵۷۶
سال پنجم
یکشنبه
۱۴۰۲ • ۰۳ • ۲۸
۲۹ ذی‌القعده ۱۴۴۴ / ۱۸ ژوئن ۲۰۲۳
اذان ظهر ۱۲:۰۵ اذان مغرب ۱۹:۴۴
اذان صبح (فردا) ۰۳:۰۲ طلوع آفتاب (فردا) ۰۴:۴۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: نیره طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: تهران، چهارراه یوسف‌آباد، خیابان فتحی شقاقی به‌سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۴۷۵۱ آگهی‌ها: ۰۲۱۸۸۱۰۴۶۵۷
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۲۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

غیر محرمانه

تغییر قانون

محسن هاشمی، رئیس پیشین شورای شهر تهران در بخشی از گفت‌وگویی که با خبرآنلاین پیرامون مسائل شهری داشت، به این نکته اشاره کرد که «در قانون شهر تهران حتی از زمان رضاشاه تعیین رئیس شرکت واحد اتوبوسرانی در حد تعیین شهردار بوده، اما از زمانی که اعتراضات سندیکای اتوبوسرانی اتفاق افتاد، آقای قالیباف گفت اختیارات تعیین مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی را به من بدهید که بتوانم کنترل کنم.»

قطب‌بندی سیاسی

هادی خانیکی، استاد علوم ارتباطات در کافه خبر خبرآنلاین گفت: ظرفیت‌های معنوی جامعه در لایه‌های زیرین جامعه رو به افزایش است؛ جامعه ایران، به لحاظ اجتماعی، «هم‌پذیرتر» از گذشته شده است. البته برخی مداخله‌های سیاسی نه تنها این هم‌پذیری را به رسمیت نشناخته و تقویت نکرده، بلکه شاهد پولاریزاسیون و قطب‌بندی کردن‌ها در حوزه سیاست هستیم.

توقف صدور روادید فرودگاهی

بنا بر اعلام وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان از تاریخ دوم تیرماه ۱۴۰۲، روند صدور روادید فرودگاهی برای اتباع جمهوری اسلامی ایران در فرودگاه‌های بین‌المللی جمهوری آذربایجان متوقف خواهد شد.سفارت کشورمان در آذربایجان در اطلاعیه ای اعلام کرد: به اطلاع هموطنان ایرانی غیرمقیم که قصد سفر هوایی به جمهوری آذربایجان دارند می‌رساند بنا بر اعلام وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان از تاریخ دوم تیرماه ۱۴۰۲، روند صدور روادید فرودگاهی برای اتباع جمهوری اسلامی ایران در فرودگاه های بین المللی جمهوری آذربایجان متوقف خواهد شد .

رکوردزنی صادرات نفت

به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، صادرات و تولید نفت ایران علی‌رغم تحریم‌های آمریکا به یک رکورد جدید در ۲۰۲۳ رسیده است، بدین‌ترتیب نفت ایران در شرایطی که سایر تولیدکنندگان تولید خود را محدود کرده‌اند، بر عرضه جهانی نفت افزوده است.صادرات نفت خام ایران در ماه مه از ۱٫۵ میلیون بشکه در روز فراتر رفت که بالاترین رقم صادرات ماهانه از ۲۰۱۸ را نشان می‌داد. صادرات نفت ایران در ۲۰۱۸، قبل‌از خروج آمریکا از قرارداد برجام، حدود ۲٫۵ میلیون بشکه در روز بود.

سوتی جدید بایدن

جو بایدن در آخرین سوتی خود اعلام کرد، قصد دارد خط‌آهنی بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند احداث کند. جو بایدن در آخرین سوتی خود اعلام کرد، قصد دارد خط‌آهنی بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند احداث کند. سخنان هجوآمیز رئیس‌جمهور آمریکا موجی از تمسخر را در شبکه‌های اجتماعی علیه وی به همراه داشته است. ویدئوی سخنان بایدن که با جدیت اعلام می‌کند قصد دارد خط‌آهنی بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند احداث کند، به شکل گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی آمریکا منتشر شده است، در حالی که کارشناسان این پروژه را اقدامی در حد محال اعلام کردند.

عکسنامه

مردی که شترها را کرایه می‌دهد – بندرزیبای ترکمن

عکس: حجت سپهوند

دریچه

نمایش آثار کیارستمی و کارلوس سائورا در برزیل

سینمای «سائولوئیز» در برزیل برنامه ویژه‌ای را به نمایش آثار منتخب عباس کیارستمی و کارلوس سائورا، کارگردان مولف سینمای اسپانیا اختصاص داده است.این برنامه ویژه از تاریخ ۱۳ تا ۲۴ ژوئن (۲۳ خرداد تا ۳ تیرماه) در سینماتئاتر «سائولوئیز» واقع در شهر فورتالزای برزیل برگزار می‌شود و ورود و تماشای این آثار برای همه مخاطبان رایگان است. عباس کیارستمی، فیلمساز ایرانی که به شدت تحت تأثیر نئورئالیسم ایتالیایی قرار گرفت، طی بیش از ۴۰ سال فعالیت، کارنامه حرفه‌ای درخشانی از خود بر جای گذاشت و در بیش از ۴۰ فیلم به عنوان کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تدوینگر، تهیه‌کننده و فیلمبردار حضور یافت. چهار فیلم بلند و پنج فیلم کوتاه از این کارگردان در سالن سینمایی قدیمی «سائولوئیز» برزیل به نمایش گذاشته خواهد شد که از آن جمله می‌توان به فیلم‌های «خانه دوست کجاست؟»، «زندگی و دیگر هیچ» و آثار کوتاه «نان و کوچه»، «تجربه» و «مسافر» اشاره عباس کیارستمی که از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین سینماگران در سینمای جهان به‌شمار می‌آید، چهره شناخته‌شده سینمای ایران در عرصه بین‌المللی بود که در سال ۱۹۷۷ موفق به کسب جایزه نخل طلای بهترین فیلم شد. از دیگر آثار مهم او می‌توان به سه‌گانه کوکر (خانه دوست کجاست؟؛ زندگی و دیگر هیچ؛ زیر درختان زیتون)، «کلوزآپ» (۱۹۹۰) و «باد ما را خواهد برد» (۱۹۹۹)، «کپی برابر اصل» (۲۰۱۰) و «مثل یک عاشق» (۲۰۱۲) اشاره کرد. «کارلوس سائورا» نیز کارگردان مطرح و نامزد اسکار سینمای اسپانیا و یکی از پرکارترین سینماگران مولف این کشور بود که سال گذشته در سن ۹۱ سالگی درگذشت. «دختر خاله آنجلیکا»، «یخ در بهشت نعنایی»، «آنا و گرگ‌ها»، «سریع‌تر، سریع‌تر» و «پرورش کلاغ‌ها» پنج فیلم بلند این سینماگر هستند که در برزیل به نمایش گذاشته خواهند شد.

کارلوس سائورا که در هوئسکا در شمال شرقی اسپانیا در سال ۱۹۳۲ به دنیا آمد، دوران کودکی‌اش با جنگ داخلی اسپانیا همراه شد که اثری اجتناب‌ناپذیر روی آثارش داشت: فیلم «شکار» او در سال ۱۹۶۶ که اولین جایزه مهم خود را در جشنواره فیلم برلین به دست آورد، درباره گروهی از سربازان سابق فرانکوست بود که در حین شکار خرگوش به مشاجره می‌پردازند و سپس به یکدیگر تیراندازی می‌کنند.

فیلم «دختر خاله آنجلیکا» که در سال ۱۹۷۴ اکران شد، به دلیل بازنمایی تجارب شخصیت اصلی آن در طول جنگ داخلی با اعتراضات راست‌گرایان مواجه شد و سینمای بارسلون که در آن نمایش داده می‌شد بمباران شد. «پرورش کلاغ‌ها» در سال ۱۹۷۵ در حالی که «فرانکو» هنوز زنده بود فیلم‌برداری شد، اما در سال ۱۹۷۶ پس از مرگش منتشر شد و برای ارائه تصویر نمادین از زندگی این دیکتاتور مورد تحسین قرار گرفت. فیلم «پرورش کلاغ‌ها» با حضور بازیگر آمریکایی «جرالدین چاپلین» همراه بود که پیش از آن نیز در فیلم «یخ در بهشت نعنایی» در سال ۱۹۶۷ با «کارلوس سائورا» کار کرده بود و در ادامه در ۹ فیلم دیگر نیز از جمله فیلم نامزد اسکار «مامان صدساله می‌شود» مقابل دوربین این کارگردان اسپانیایی رفت. از دیگر فیلم‌های «کارلوس سائورا» می‌توان به «عروسی خون» با اقتباس از اثر «لورکا»، فیلم نامزد اسکار «کارمن» (۱۹۸۳)، «سریع‌تر، سریع‌تر» (۱۹۸۱) برنده جایزه خرس طلایی بهترین فیلم جشنواره برلین و «تانگو» در سال ۱۹۹۸ که سومین نامزدی اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان را برای او به همراه داشت، اشاره کرد.

اینفوگرافیک

منبع: ایسنا

چه کنیم بچه‌ها کتاب را به گوشی ترجیح دهند؟

محمدرضا شمس معتقد است، کتاب‌خوانی الله‌بختکی نمی‌شود و باید برنامه‌ای برای آن داشت و در قدم اول باید بچه‌ها را به کتاب نزدیک کرد. این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ایسنا درباره مسئله کتابخوانی کودکان و نوجوانان و راهکارهایی که برای کتابخوان کردن بچه‌ها وجود دارد، اظهار کرد: کتاب‌خواندن مانند هر کار دیگری از خانه و خانواده شروع می‌شود؛ در واقع آموزش بچه‌ها برای هر کاری از خانواده شروع می‌شود. زمانی که در خانواده پدر تلویزیون می‌بیند و یا مادر دارد با تلفن همراه بازی می‌کند، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم که بچه کتاب‌خوان باشد. زمانی بچه کتاب‌خوان می‌شود که پدر و مادر کتاب بخوانند، اگر آن‌ها کتاب نخوانند بچه کتاب‌خوان نمی‌شود مگر این که با دوستان کتاب‌خوان ارتباط داشته باشد.او با بیان این که اولین راه برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها نزدیک کردن آن‌ها به کتاب است، گفت: بهترین راه برای نزدیک کردن بچه‌ها به کتاب قصه است؛ زمانی که کودک بودیم به‌خاطر نبود تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی، شب‌ها در خانه و دورهمی‌ها بزرگ‌تری قصه می‌گفت و بقیه گوش می‌کردند، با خنده قهرمان داستان می‌خندیدند و با گریه‌اش گریه می‌کردند. قصه گفتن، چند نسل را به هم نزدیک می‌کرد؛ اما الان چون قصه‌خوانی کمتر شده، نسل‌ها هم از هم دور شده‌اند. به نظرم اولین قدم برای کتاب‌خوان شدن، ایجاد چنین ارتباطی است، این که صرفاً هر کسی دنبال علایق خود نباشد و وقتی را هم بگذارند و در کنار بچه‌ها کتاب بخوانند، بخصوص کتاب‌هایی که مخصوص گروه سنی بچه‌هاست.شمس سپس با بیان این که در کشورمان کتاب مخصوص هر سنی را مثلاً کتاب شش‌ماهه‌ها، سه‌ساله‌ها و دوساله‌ها نداریم، گفت: در کشورهای عربی با توجه‌به نیاز کودکان در هر سنی کتاب نوشته شده است. ما چنین چیزی را نداریم اما می‌توانیم با کمک کتابدارها و کسانی که در این زمینه تخصص دارند، تاحدامکان کتاب‌هایی نزدیک به سن کودکان تهیه کنیم. او با اشاره به مشغله پدر و مادرها و این که کودکان بیشتر وقتشان در مهد کودک‌ها می‌گذرد، افزود: مهد کودک بهترین جا برای تداوم کتاب‌خوان شدن بچه‌هاست؛ مهد کودک‌ها باید کتابخانه داشته باشند و مربی‌ها هم می‌توانند به بچه‌ها کمک کنند؛ به‌جای این که سعی کنند بچه‌ها را ساکت کنند، سعی کنند برای آن‌ها کتاب بخوانند و نمایش اجرا کنند و یا کارهایی انجام دهند که بچه‌ها به سمت کتاب بروند و تداوم این کار را می‌توانیم در مدارس داشته باشیم. این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان با تأکید بر این که مدارس باید کتابخانه بزرگ و قوی با کتاب‌های متنوع داشته باشند، ادامه داد: الان اجازه نمی‌دهند هر کتابی به کتابخانه مدارس برود و کتاب‌های مدارس، کتاب‌های مشخصی است این در حالی است که باید کتاب‌های مختلفی به کتابخانه‌های مدارس راه پیدا کند و سلیقه همه بچه‌ها را در بر بگیرد. نمی‌شود با معیارهای خاص برای کتابخانه مدارس کتاب انتخاب کرد. از طرف دیگر باید مدرسه‌ها، ساعت و یا کلاس کتاب‌خوانی داشته باشند تا در فضای دوستانه کتاب بخوانند. اما این اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا معلمان در اوقات فراغت مانند من کارمند و ورزشکار فوری گوشی به دست می‌گیرند و بچه‌ها یاد می‌گیرند به همین دلیل بیشتر با گوشی سروکار دارند تا کتاب.

او سپس بیان کرد: فرایند کتاب‌خوان کردن بچه‌ها، فرایند راحتی می‌تواند باشد به شرطی که از قبل به آن فکر شده باشد و اراده‌ای برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها وجود داشته باشد؛ مثلاً به بهانه‌های مختلف در مدرسه کتاب‌فروشی گذاشت، یا بچه‌ها را در قالب اردو به کتاب‌فروشی‌های بزرگ برد تا آن‌ها کتاب انتخاب کنند و بخرند، اصلاً یاد بگیرند چطور کتاب خوب بخرند. از نویسندگان و شاعران دعوت کنند تا در مدارس کتاب بخوانند، یا با خواندن داستان به نقد و بررسی آن بپردازند. می‌توان با کمک گرفتن از خانواده‌ها، نویسندگان و مترجمان، نهادهای ادبی و کسانی که در صنعت نشر فعالیت دارند، اتاق فکری در این زمینه درست کرد.

محمدرضا شمس با تأکید بر این که انتخاب کتاب خوب در کتاب‌خوان کردن بچه‌ها مهم است، گفت: اگر کتابی که کودک می‌خواند، لذت‌بخش و سرگرم‌کننده نباشد باعث می‌شود بچه از کتاب‌خوانی زده و از کتاب دور شود. کتاب‌های بد می‌توانند به کودک ضرر بزنند و بچه‌ها را از کتاب بیزار کنند. اگر کتاب خوب انتخاب شود، بچه از آن لذت می‌برد. این نویسنده ادبیات کودک و نوجوان ایجاد اتاق فکر برای برنامه‌ریزی برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها را جزو برنامه‌های ایده‌آل و نشدنی خواند و توضیح داد: در کشور ما اراده‌ای برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها نیست، مثلاً برنامه‌های تلویزیون را ببینید؛ برنامه‌هایی ساخته می‌شود که بچه‌ها را فوتبالیست کند، یا درسشان را خوب کند. کتاب‌های کمک‌درسی و کنکور تبلیغ می‌شود؛ اما برنامه‌ای نیست که نویسنده‌ای دعوت شود که قصه بگوید و بچه‌ها آن قصه را نقد کنند، به‌هیچ‌وجه چنین برنامه‌ای نداریم. در مجلات و روزنامه‌هایمان کمتر می‌بینیم کتابی تبلیغ شود یا مثلاً در مجله و روزنامه بزرگسال یک خط بنویسند که کتاب جدید محمدرضا یوسفی زیر چاپ است، کتاب جمشید خانیان از زیر چاپ درآمده است. چندین سال پیش، یک خط راجع به هری پاتر نوشته می‌شد، تیراژ مجله و روزنامه چندبرابر می‌شد، ما چنین سروصدایی نداریم.

یادداشت

نقدی بر فیلم «سه کام حبس» ساخته سامان سالور

رنگی بالاتر از سیاهی...

مصطفا کیانیان
منتقد

نگاهی گذرا به کارنامه فیلمسازی سامان سالور به ما نشان می‌دهد، او از آن دست کارگردان‌هایی است که راه رفتن روی فرش قرمزِ جشنواره‌های خارجی و لبخند زدن به فلاشِ دوربین عکاسان را به فروش گیشه داخلی ترجیح می‌دهد. سردرگمی فیلم «سه کام حبس» از همین جا آغاز می‌شود. سخت است درک این موضوع که آیا «سالور» در آخرین فیلمش سودای لمس تندیس‌های پر زرق و برق جشنواره‌های خارجی را در سر دارد یا جذب مخاطب عام سینما؟ ساده‌ترین پاسخ به این پرسش می‌تواند این باشد که کارگردان در هر دو هدف ناکام است. فیلم در همان دقایق اول با دیالوگ‌های نوک‌تیز اقتصادی‌اش_از گران شدن پراید که گویی نماد نابسامانی‌های اقتصادی کشور ماست_ تلاش می‌کند خود را در خیل فیلم‌های اجتماعی این روزهای سینمای ما جا بزند. از این دست هستند دیالوگ‌های نسیم (با بازی پریناز ایزدیار) به مجتبی (با بازی محسن تنابنده) درباره عقب افتادن اقساط و... . فضای سیاه داستان که بیشتر تصنّعی است و از رئالیته‌ای که ما در این گونه فیلم‌ها دیده بودیم فاصله گرفته نور کافی برای رشد و نمو پرسوناژها را ندارد. نسیم، شخصیت اصلی داستان نمونه یک زن سنتی ایرانی است که در مراسم مذهبی شرکت می‌کند و توأمان سیگار می‌کشد و پتانسیل تبدیل شدن به یک موادفروش خرده پا را هم دارد! مجتبی شاید منطقی‌ترین پرسوناژ داستان در همه ابعاد روایت باشد. مردی که می‌کوشد تا برای خانواده خود زندگی حداقلی را فراهم کند. نویسنده هم مصر است تا به شما بگوید این مرد استراتژی درستی را انتخاب نکرده است. اما در روی دیگر سکه، وقتی «نسیم» قدم در راه نیمه تمام «مجتبی» می‌گذارد کارگردان با اکستریم کلوزآپ‌هایی که احساسات بیننده را تحریک می‌کند سعی در تقدیس کنش او دارد. گویی هدف وسیله را توجیه می‌کند! انزوای خانواده سه نفره مجتبی که ما در طول فیلم شاهد آن هستیم کمی داستان را انتزاعی می‌کند، انگار تمام روایت به جای اتفاق در بطن جامعه در ذهن نویسنده رخ می‌دهد. روایتی که پس از اولین تعلیق جدی (تصادف مجتبی) دچار تعلیق‌های متعدد بی‌دلیلی می‌شود که شاید صرفاً برای قابل تحمل کردن فیلمنامه ایجاد شده‌اند. به عنوان مثال زمانی که «نسیم» کیف حاوی مقادیر زیادی مواد مخدر را داخل کمد شخصی «فریبا» می‌گذارد بیننده متوجه می‌شود تعلیق بعدی داستان چیست. تعلیقی که شاید برای معرفی بیشتر شخصیت «فریبا» در داستان قرار گرفته باشد. برای توضیح اضافه درباره شخصیتی که فضای نامانوس بیمارستانِ فیلم _که اغراق نیست از واژه سوررئال برایش استفاده کنیم _ از پس تکوین آن برنیامده است. به قدری ورود «فریبا» به فیلم و نحوه ارتباط گرفتنش با «نسیم» در داستان بی‌منطق است که نه این گونه تعلیق‌ها و نه حتی بازی دلچسب «سمیرا حسن‌پور» می‌تواند حفره خالی آن را پر کند. وجود همین حفره‌هاست که همچون پنیر سوئیسی فیلم را با جامعه ما بیگانه می‌کند. «سالور» برای دیدن جامعه‌ای که درباره آن فیلم می‌سازد باید از عینک شفاف‌تری استفاده کند. نه اینگونه که بخواهد تیرگی‌ها را به سایر مسائل تسری دهد. مثل سربازی که برای آزادی زنی مستاصل، با طیفِ دستانش پیشنهادی بی‌شرمانه به وی می‌دهد و در انتهای فیلم خود را قربانی یک ساختار اقتصادی بیمار و بالاخواهِ خواهرش جلوه می‌دهد. کودک فیلم (نگار) تنها عنصر روایت است که گاهی با حرکات غیر ارادی‌اش کورسویی از امید را در فضای سراسر تاریک فیلم به نمایش می‌گذارد. نوری که با ترس از آینده کودک، آن هم به ورطه تاریکی کشیده می‌شود. شاید نویسنده با تاکیدی که بر استفاده از اسم کودک دارد می‌خواهد برای کوچک‌ترین آکتور فیلم هم شخصیت قائل باشد. شخصیتی به مراتب بزرگ‌تر از جثه‌اش! همراهی دوربین با نگار شاید گواه این امر باشد. پایان باز فیلم اما با روند داستان در تعارض است. زنی که سراسر فیلم با همه اتفاقات ناگوار در کنار همسرش ایستاده، در حال پاک کردن خالکوبی است که نمادی از پیمانِ عشاق شناخته می‌شود. در فصل دل بریدنِ «نسیم» دیالوگ زنِ پاک کننده خالکوبی جالب است:

_هر جور پاک کنم باز یه ذره ردش می‌مونه!!!

با اغماض اگر از هر زاویه به آخرین ساخته سامان سالور نگاه کنیم تنها می‌توانیم آن را یک حرکت در عرض برای کارگردان بدانیم.